

در دو شماره پیشین دو مبحث از اعجاز عددی قرآن «حقیقت یا توهم» ارائه گردید. اینک بخش پایانی این مقاله ارائه می شود.

مبحث سوم: همسانی عددی در قرآن

استاد عبدالرزاق نوفل (ره)، کاشف پدیده‌ی همسانی (برابری) عددی در قرآن کریم بود. او در خلال تحقیق در باره‌ی موضوعات قرآنی، توانست همسانی و تساوی بودن تعدادی از کلمات را در قرآن کریم دریابد. نوفل به جست و جوی الفاظ دیگر پرداخت و به ده‌ها نمونه‌ی دیگر که بیانگر حقیقتی آشکار بودند، دست یازید و در نتیجه سری از اسرار اعجاز قرآنی را کشف کرد و در ادامه‌ی تحقیقات خود سلسله‌ای از کتاب‌ها را با عنوان «الاعجاز العددی فی القرآن الکریم» در سه جلد منتشر ساخت.

استاد عبدالرزاق نوفل در جلد اول کتاب می گوید: «از نشانه‌های توفیق الهی - جل شانه - این بود که در هنگام تألیف کتاب الاسلام دین و دنیا که به سال ۱۹۵۹ م انتشار یافت، به این نکته رهنمون شدم و دریافتم، کلمه‌ی دنیا به تعداد کلمه‌ی آخره در قرآن کریم تکرار شده است. همچنین، هنگام نگارش کتاب عالم الجن و الملائکه که در سال ۱۹۶۸ م نشر یافت، دریافتم که تعداد تکرار شیاطین با ملائکه یکسان است. هر دو نکته را در آن دو کتاب بیان داشتم. موضوع همسانی و تساوی در تمامی قرآن کریم را در وهله‌ی اول دریافته بودم و هرگاه به تحقیق در موضوعی می پرداختم، شگفت زده می شدم. تساوی تکرار عددی یا تناسب و توازن در تمامی موضوعات مورد مبحث وجود داشت. موضوعات مشابه یا هم شکل و موضوعات متناقض یا مترابط، معجزه بودند و آن هم چه معجزه‌ای! این اعجاز، صورتی از صورت‌های اعجازی بود که ممکن نبود هر پژوهشگر بنا خواننده‌ای در معرض آن قرار بگیرد؛ الا این که به این نکته ایمان کامل و مطلق بیاورد که قرآن هیچ نیست جز وحی خداوند متزه و تعالی بر آخرین پیامبر و جاتم پیامبران (ص)، و فوق قدرت و بالاتر از توانایی بشر و دورتر از حدود عقل بشری است. در نتیجه دریافتم، پروردگارم مرا به موضوعی رهنمون گشته که ناگزیرم، آن را در وسیع‌ترین و دورترین جاها منتشر کنم تا گونه‌ی جدید اعجاز قرآن، یعنی اعجاز عددی در قرآن کریم ارائه شود» [الاعجاز العددی فی القرآن الکریم، ص ۱۱-۱۰].

سپس ده‌ها مثال برای توضیح این حقیقت آورده است که سه مثال از آن‌ها را نقل می کنیم:

دنیا و آخرت: در قرآن هریک ۱۱۵ بار تکرار شده‌اند.

ملائکه و شیاطین: در قرآن هریک ۸۸ بار تکرار شده‌اند.

حیات و موت: در قرآن هریک ۱۴۵ بار تکرار شده‌اند [همان،

ص ۱۵، ۱۹ و ۲۵].

● دکتر غانم قدوری الحمد
● ترجمه: حسین علینقیان

و این جلد از کتاب را چنین پایان می دهد: «این تساوی و هماهنگی و برابری، گونه‌ی جدیدی است از گونه‌های متعدد اعجاز که در اثر تفکر و تأمل و تدبیر کشف شده است. به ویژه که در مورد نتیجه‌ی این نوع از اعجاز، آرا و دیدگاه‌های متفاوت اختلاف ندارند و گرایش‌ها متعدد نیستند؛ زیرا به گونه‌ای نیست که نیازمند تفسیر و تأویل باشد و اجتهادات در مورد آن تعارض ایجاد کنند و نظریه‌های متباین ارائه شوند. بلکه این اعجاز شامل حساب و اعداد است و حقایق ریاضی همواره قطعی و روابط اعداد انکارناپذیرند» [همان، ص ۱۹۰].

استاد عبدالرزاق نوفل، جلد دوم کتاب را با همان رویکرد منتشر ساخت و ده‌ها نمونه‌ی جدید در آن ارائه داد و در پایان آن می نویسد: «آنچه من قصد دارم اعلام کنم این است که چنین برابری و هماهنگی عجیبی در تمامی موضوعات قرآن کریم و واژگان آن، بدون هیچ شک و جدلی اثبات می کند که قرآن وحی خداوند منزله و متعالی است. نه پیامبر خدا(ص) - که امی بود - نه علمای آن زمان، و نه تمامی علمای جهان، ایجاد چنین تساوی و برابری را در این موضوعات بدین پایه از اعجاز نتوانند کرد» [همان، ج ۲، ص ۱۵۹].

سپس جلد سوم را در همان موضوع و روش نشر داد و در پایان چنین آورد: «اعجاز عددی قرآن کریم به گونه‌ای است که چاره‌ای جز پرداختن به آن نداریم، زیرا علاوه بر این که دلیل وجود فرستنده‌ی وحی و رسالت گیرنده‌ی وحی است،

بخش پایانی

فرآن

اعجاز عددی

حقیقت با توهم؟



با شیوهی این نسل و با زبان معاصر هم خواننی دارد. ما در دوران اعداد و ارقام ریاضی به سر می‌بریم و هر محقق و پژوهشگر قرآنی، در موضوعات و الفاظ و بلکه در حروف آن، گونه‌ای از اعجاز عددی (تساوی، تناسب، و هماهنگی) را خواهد یافت و به عالمیان، نشانه‌ی جدیدی از اعجاز قرآن کریم و نبوت سرورمان حضرت محمد(ص) را ارائه می‌دهد» [همان، ج ۳، ص ۱۷۳].

این کشف قرآنی مورد توجه و عنایت پژوهشگران اعجاز قرآن واقع شد. دکتر فاضل سامرائی، خلاصه‌ای از مجموعه الفاطمی را که استاد عبدالرزاق نوفل قبلاً آورده بود، در کتابش (التعبیر القرآنی) نقل کرده و گفته است: «آیا حساب‌های دیگری را هم در کتاب خداوند عزیز خواننده‌ای که متعجب شوی؟! به راستی این‌ها روشن می‌کنند که الفاظ بدون حساب و کتاب نیامده‌اند و به شیوه‌ی حسابی کاملاً دقیق وضع شده‌اند» [التعبیر القرآنی، ص ۱۵].

دکتر صلاح خالدی گفته است: «یکی از شایسته‌ترین افراد قائل به هماهنگی عددی، مرحوم عبدالرزاق نوفل بود که در کتابش، الاعجاز العددی فی القرآن، در سه جلد، اعداد و ارقام جالب و دقیقی ارائه کرده است. چنانچه در همین موضوع، کتاب معجزة الارقام و الترقيم فی القرآن الکریم را نیز تألیف کرد. اکثر اعداد و حساب‌های او درست هستند و نتایجی که به دست آورده است، جالبند؛ گرچه ما با او در این موضوع که به جای تناسب عددی، نام اعجاز عددی را به کار برده است، موافق نیستیم» [البیان، ص ۳۵۶].

مبحث چهارم: تطبیق نظریه‌ی عدد ۱۹ بر فاصله‌های قرآنی

کتاب «کمال الاعجاز فی القرآن الکریم»، تألیف استاد دکتر عادل کمال جمیل^۱، در اواخر سال ۲۰۰۱ در بغداد و در ۱۵۰ صفحه انتشار یافت.^۲ این کتاب از پنج بخش اصلی تشکیل یافته است:

۱. مقدمه: در این بخش، پیرامون فاصله‌های قرآنی و هدف از تألیف کتاب و نیز پژوهش‌های قبلی سخن گفته شده است (ص ۱۶-۱).

۲. فاصله‌ی اول: فاصله «او و نون» و «یا و نون» در قرآن کریم و تطبیق نظریه‌ی عدد ۱۹ بر آن (ص ۱۸-۹۴).

۳. فاصله‌ی دوم: فاصله‌ی الف منصوب به تنوین فتح در قرآن کریم و تطبیق نظریه‌ی عدد ۱۹ بر آن (ص ۱۲۳-۹۵).

۴. فاصله‌ی سوم: فاصله‌ی الف مقصوره و تطبیق نظریه‌ی عدد ۱۹ بر آن (ص ۱۳۷-۱۲۴).

۵. عدد ۱۹ عددی است آسمانی: در این بخش، از استناد تقویم‌های سه‌گانه‌ی جهانی میلادی، یهودی و هجری بر عدد ۱۹ سخن گفته است.

۱. مقدمه

مؤلف در آغاز، زیر عنوان «وصف قرآن کریم»، متنی از «رسالة الغفران» ابوالعلائی معری را نقل کرده است [کمال‌الاعجاز، ص ۱]؛ البته معری منبع اصلی در این موضوع به حساب نمی‌آید. سپس، زیر عنوان «نظام فاصله‌ها در قرآن»، متونی از سیدقطب و فاضل‌سامرائی را نقل کرده است. در ادامه، زیر عنوان «فاصله‌های اصلی در قرآن» این فاصله‌ها را شرح داده و در آغاز آن چنین آورده است: «منظور از نظام فاصله‌ها، یکسان بودن اواخر کلماتی است که در پایان آیات قرآنی آمده‌اند. کلمه‌ی فاصله به صورت یک اصطلاح، پیش از این توسط سیدقطب (۱۹۵۲م) در کتابش، *التصویر الفنی فی القرآن* به کار رفته است...» [همان، ص ۳].

در این جا قصد اطالهی کلام و بحث در مورد جزئیات کتاب دکتر کمال جمیل را ندارم، بلکه بیش‌تر موضوع تطبیق نظریه‌ی عدد ۱۹ بر فاصله‌های قرآنی مدنظر است. اما ذکر این نکته برای خوانندگان ضروری است که علم فاصله‌ی قرآنی، در تمدن ما علمی قدیمی است. چنان‌که زرکشی (۷۹۴ق)، در کتاب «البرهان فی علوم القرآن»، در نوع سوم (شناخت فاصله‌ها و رثوس آیات)، در حدود ۵۰ صفحه به این علم پرداخته است [البرهان، ج ۱، ص ۱۰۱-۵۳]. نیز سیوطی (۹۱۱هـ)، در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن»، در نوع پنجاه و نهم (در فاصله‌های آیات)، ۲۵ صفحه از کتاب را به این علم اختصاص داده است [الاتقان، ج ۳، ص ۳۱۵-۲۹۰]. طاش کسپری زاده (۹۶۸هـ) آن را «علم شناخت فاصله‌های آیات» نامیده است [مفتاح السعادة، ج ۲، ص ۴۶۹]. از معاصران نیز، استاد محمد الحسنای، کتاب «الفاصلة فی القرآن» را در موضوع فاصله نوشته و در آن، تمامی مسائل مربوط به فاصله‌ی

قرآنی را از جنبه‌های تاریخی، لغوی و هنری در قالب ۲۳۲ صفحه استقصا نموده است. به نظر می‌رسد که مؤلف کتاب کمال‌الاعجاز از این منابع مطلع نبوده است.

اما ای کاش مسأله در همین حد ناآگاهی مؤلف از منابع محدود می‌شد؛ چرا که کار مؤلف در مورد هدف کتاب و روش او در رسیدن به این هدف، مسأله‌دار شده است. او در مورد هدف کتاب می‌گوید: «هدف اساسی این کتاب، کشف اعجازی مخفی و غیر آشکار در قرآن کریم است که در فاصله‌ها یا پایان آیات نهفته است؛ اعجازی که اهمیت آن کم‌تر از بلاغت ظاهری و فصاحت لغوی و تناسب هنری موجود در قرآن نیست. این اعجاز شامل فاصله‌های اصلی سه‌گانه در قرآن است که ذکر آن رفت. هریک از این فاصله‌های سه‌گانه در تمام قرآن به صورت مضربی از عدد ۱۹ می‌باشند...» [کمال‌الاعجاز، ص ۲].

در بخش «پژوهش‌های انجام یافته»، مؤلف به نظریه‌ی رشاد خلیفه و کشف عبدالرزاق نوفل و تعلیق دکتر فاضل‌سامرائی بر آن دو اشاره کرده و به این نقل از گفته‌ی رشاد خلیفه بسنده کرده است: «رشاد خلیفه (۱۹۸۳)، در کتابش، *معجزة القرآن الکریم*، با به‌کارگیری رایانه، وجود سیستمی ریاضی (عددی) و عجیب را به اثبات رسانده و از معجزه‌های مادی و ملموس در قرآن کریم پرده برداشته است. این معجزه در تعداد وسیعی از اعداد و آمارهایی که شامل عدد ۱۹ و مضرب‌های آن بوده و با استناد به آیه‌ی کریمه‌ی: *عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ* [مدثر ۳۰]، تحقق یافته است...» [همان، ص ۱۴].

پرواضح است که مؤلف در آغاز کتاب، از آبه‌ی خود را به آبه‌ی رشاد خلیفه بسته و همان راهی را که او پیموده، پیش گرفته و نظریه‌ی او را اساس کتاب خود قرار داده است. گویی مؤلف از بحث‌هایی که قبلاً پیرامون این نظریه در گرفته و ردیه‌هایی که بر آن‌ها نوشته شده و جوانب مخفی آن، آگاهی نداشته است. بحث من در این زمینه متوجه مطالب همان کتاب و نیز اصولی خواهد بود که مؤلف بدان‌ها استناد جسته و دلایلی که برای تأیید گفته‌هایش در تطبیق آن نظریه بر فاصله‌های قرآنی ارائه داده است؛ نه بحث‌های قبلی در مورد نظریه‌ی رشاد خلیفه.

۲. تطبیق نظریه‌ی عدد ۱۹ بر فاصله‌های قرآنی
تطبیق نظریه‌ی عددی ۱۹ بر فاصله‌های قرآنی، بخش

اعظم کتاب کمال الاعجاز، از صفحه ۱۸ تا ۱۳۷ را دربر گرفته است. فاصله‌های سه گانه به قرار زیرند:

۱. فاصله‌ی «واو و نون» و «یاء و نون»؛
۲. فاصله‌ی الف منصوب به تنوین فتح؛
۳. فاصله‌ی الف مقصوره.

مؤلف معتقد است، مجموع دفعات ورود هریک از این سه فاصله در قرآن کریم، قابل تقسیم بر عدد ۱۹ است. او در مورد فاصله‌ی «واو و نون» و «یاء و نون» می‌گوید: «این نوع فاصله، از نظر تعداد آیات منتهی به آن در قرآن کریم، جایگاه نخست را بین فاصله‌های دیگر دارد. جمع آیات مربوط به این فاصله، مضربی است از عدد ۱۹ و شامل ۲۷۵۵ آیه است؛ $2755 = 19 \times 145$ » [همان، ص ۱۸].

در مورد فاصله‌ی الف منصوب به تنوین فتحه می‌گوید: «این فاصله از نظر تعداد آیات منتهی به آن در قرآن کریم، جایگاه دوم را پس از فاصله‌ی «واو و نون» و «یاء و نون» دارد. جمع آیات این نوع فاصله، مضربی است از عدد ۱۹ و شامل ۹۱۲ آیه است؛ یعنی: $912 = 19 \times 48$ » [همان، ص ۹۵].

مؤلف در مورد فاصله‌ی الف مقصوره گفته است: «این فاصله از نظر تعداد آیات منتهی به آن در قرآن کریم، جایگاه سوم پس از فاصله‌ی «واو و نون» و «یاء و نون» و فاصله‌ی الف منصوب به تنوین فتحه را دارد. جمع آیات این نوع فاصله، مضربی است از عدد ۱۹ و شامل ۲۲۸ آیه می‌شود؛ یعنی: $228 = 19 \times 12$ » [همان، ص ۱۲۴].

مؤلف کتاب عقیده دارد، نظم قرآنی بر اساس تکامل تعداد فاصله‌هاست، به حدی که قابل قسمت به عدد ۱۹ باشد. و ترتیب قرآن بر آن اساس قرار دارد، بدین شیوه:

۱. اضافه کردن آیات مکی به سوره‌های مدنی و اضافه کردن آیات مدنی به سوره‌های مکی؛
۲. تغییر در فاصله؛
۳. تکرار در آیات و اواخر آیات [همان، ص ۲۵، ۴۶، ۶۵، ۸۱، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۱۵، ۱۲۵].

اما اضافه کردن آیات مکی یا مدنی، موضوعی است که مبتنی بر تقسیم‌بندی سوره‌ها به مکی، یعنی آیات نازل شده قبل از هجرت، و مدنی، یعنی آیات نازل شده پس از هجرت، است. بسا قسمتی از سوره در مکه نازل و در مدینه کامل می‌شد. بنابراین، آیات مدنی در سوره‌های مکی یا آیات مکی در سوره‌های مدنی یافت می‌شوند، اما ترتیب سوره‌ها در مصحف، که مبتنی بر سماع صحابه از قرائت

پیامبر خدا (ص) بوده، مورد استناد قرار گرفت. دانشمندان نیز در مورد مکی یا مدنی بودن برخی سوره‌ها و یا آیات قرآن اختلاف کرده‌اند [الاتقان، ج ۱، ص ۳۷-۳۰]؛ به گونه‌ای که نمی‌توان به طور قطع گفت که فلان آیه در سوره‌ای معین درج شده است تا در نتیجه، تعداد فاصله‌های آن قابل قسمت بر عدد ۱۹ باشد. از این رو، مؤلف کتاب، این موضوع را به هنگام به کارگیری عبارت: مکی مضاف و آیات مدنی مضاف، به درستی تبیین نکرده است.

در مورد تغییر فاصله، برای رسیدن تعداد فاصله‌ها به عددی که قابل قسمت بر ۱۹ باشد، مؤلف مثال‌های زیادی آورده است؛ از جمله آیه‌ی: «وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ» [بقره/۱۹] و نیز آیه‌ی «إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» [آل عمران/۱۲۰]. مؤلف دلیل استناد به این آیات را رعایت فواصل «یاء و نون» دانسته تا خللی در تعداد آن‌ها که قابل قسمت بر عدد ۱۹ است، وارد نیاید [کمال الاعجاز، ص ۲۶ و ۲۷].

دانشمندان معتقدند، نظم قرآن کریم مبتنی بر رعایت همسانی فاصله‌های بین آیات است و از برخی حالت‌هایی که منجر به این همسانی شده، یاد کرده‌اند. این بدان جهت بوده که تداوم در همسانی صوتی فاصله‌ها و تأثیر این هماهنگی در احساس شنوندگان نمایان شود [معترک الاقران، ج ۱، ص ۳۱-۲۶]؛ نه این که شماره‌ای خیالی مورد توجه آن‌ها باشد.

برای تکرار آیات از نظر توافق فاصله‌ها با عدد ۱۹، مؤلف مثال‌هایی را بیان داشته است؛ از جمله آیه‌ی: «وَيَلِّبُ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ [مرسلات/۱۵] که در سوره‌ی مرسلات ده بار تکرار شده است. مؤلف دلیل این تکرار را رعایت عددی معین برای فاصله‌هایی که به «یاء و نون» منتهی می‌شوند، بیان داشته است [کمال الاعجاز، ص ۸۲]. حال آن‌که جمهور مفسران، دلیل تکرار را بیان موضوعی معنایی قلمداد کرده‌اند «و هر آنچه در قرآن کریم تکرار شده، مثل تکرار آیه یا داستان، بر معنا و عبرتی جدید مشتمل است» [المعجزات القرآنیة، ص ۱۸۵].

در اثنای خواندن سخن مؤلف در مورد فاصله‌های سه گانه و تطبیق آن‌ها با نظریه‌ی عدد ۱۹، اشکالات دیگری نیز به نظر رسید که ما را به تردید در نتایج مؤلف، و حتی رد آن‌ها سوق داد. برخی از این اشکالات عبارتند از:

۱. فاصله‌هایی [شماره‌ی آیاتی] که در قرآن‌های چاپ شده و متداول کنونی درج شده‌اند، بر اساس عدد آیات نزد

[۷]، «الکبری» [طه / ۲۳] و «وَلَا يَنْسِي» [طه / ۵۲] را در وهله ی اول آورده است و سپس این فاصله ها را با غلط گیری محو کرده و جای آن ها را خالی گذاشته و شماره ها را براساس مجموع فاصله ها تغییر داده است [همان، ص ۱۳۲ و ۱۳۳]. خواننده از سر این اقدام سؤال می کند و آن را در همان صفحه می یابد. در این جا مؤلف فراموش کرده، فاصله های الف مقصوره در دو سوره ی طلاق و معارج را که تعدادشان پنج فاصله است، به حساب آورد و آن ها را به صفحه ی ۱۳۳، با چسباندن ورقه ای کوچک حاوی آن پنج فاصله، الحاق کرده است. به این ترتیب، به مجموع فاصله های مقصوره، پنج فاصله اضافه شده و عدد به دست آمده، قابل قسمت بر ۱۹ نبوده است. در نتیجه، مؤلف، فاصله های سوره های طه و نجم را محو کرده تا نظرش تأمین شود.

عجیب این که مؤلف، امثال فاصله های محوشده در سوره های طه و نجم را در سوره های دیگر به حساب آورده است. مثلاً فاصله ی محوشده ی «بِالْحُسْنٰی» از فاصله های سوره ی نجم را در فاصله های سوره ی لیل آورده است [همان، ص ۱۳۶]. نیز فاصله ی «الکبری» را که از فاصله های سوره ی طه حذف کرده بود، در سوره ی نازعات ثبت کرده است [همان، ص ۱۳۴]. و چون زبان اعداد، اجتهادپذیر نیست، ایده ی این کتاب، یعنی «مجموع فاصله های قرآنی قابل قسمت بر عدد ۱۹ است»، وجود خارجی ندارد، بلکه نوعی تلفیق یا خیال بافی است که اساس درست ندارد. البته بی اساسی نظریه ی عدد ۱۹ تأثیری در اعجاز قرآن کریم ندارد و بدون احتیاج به گفته های ساختگی و شبه آور، وضوح و جلای آن هر روز بیش از پیش افزایش می یابد.

۳. عدد ۱۹، عددی آسمانی

مؤلف کتابش را با همین عنوان پایان می دهد تا به خواننده بگوید، این عدد، اساس بنای آفرینش و نظم قرآن است. او این نظریه را به عنوان مطلب جدیدی بر نظریه ی رشاد خلیفه در مورد عدد ۱۹ می داند و می گوید: «از زمانی که رشاد خلیفه (۱۹۸۳) در کتاب معجزة القرآن الکریم وجود نظامی عددی و شگفت آور و نیز معجزه های مادی را از خلال برخی محاسباتی که در بردارنده ی عدد ۱۹ و مضرب های آن بود، کشف کرد، به استناد آیه ی کریمه ی: «عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ» [مدثر / ۳۰] به عدد

۱۹ اصطلاح «ثابت قرآنی» اطلاق شد. اما از طریق تحقیقات علمی این مطلب کشف شد که عدد ۱۹، عددی است که بین حرکت سه جرم آسمانی، یعنی خورشید، زمین و ماه که انسان از قدیم الایام آن ها را به عنوان پدیده های طبیعی برای شمارش زمان، حساب و تقویم به کار می برده است، پیوند می دهد. بنابراین عدد ۱۹ صرفاً ثابت قرآنی نیست، بلکه عددی آسمانی است. البته این موضوع تعجبی ندارد، چرا که قرآن اساساً از اول تا آخر کتابی آسمانی است...» [همان، ص ۳۸].

مؤلف پس از آوردن تعدادی از آیات کریمه که به تزییل قرآن اشاره کرده اند، می گوید: «آنچه می آید، شرح مفصلی از ارتباط بین حرکت اجرام سه گانه ی آسمانی با عدد ۱۹ است تا آسمانی بودن این عدد روشن شود» [همان، ص ۱۳۹].

در ادامه نیز از تقویم و اصول استنادی آن سخن گفته و به ماه قمری و سال شمسی و دوره ی متونیک^۳ (منسوب به متن، منجم یونانی که در قرن پنجم قبل از میلاد در آتن زندگی می کرده است) اشاره کرده و گفته که دوره ی متنی عبارت است از هر ۱۹ سال شمسی شامل ۲۳۵ دوره یا ماه قمری. در آغاز هر دوره ی جدید شمسی، منازل قمر تکرار می شوند و در همان روزهای سال، دوباره بروز می کنند. او همچنین اضافه می کند، این دوره نزد بابلیان و آشوریان معروف و رایج بوده است. «همچنین، یهودیان پس از بازگشت از تبعیدگاه به فلسطین، آن را به کار می بسته اند. مسیحیان نیز در حد و سیعی از آن استفاده می کردند و عدد ۱۹ را عدد طلایی می دانستند. همچنین عرب ها قبل از اسلام و پس از آن، به مدت کوتاهی، آن دوره را به کار می بردند» [همان، ص ۱۴۱].

او کیفیت به کارگیری دوره ی متونیک را توسط عرب ها، قبل از اسلام و بعد از آن، مشخص نکرده، اما به شرحی درباره ی تقویم عبری (یهودی) و تقویم میلادی (مسیحی) پرداخته و سپس از تقویم هجری (اسلامی) سخن به میان آورده و گفته است که اهل دین های سه گانه در تعیین شعائر دینی خود، به تقویم قمری اعتماد داشته اند و مسیحیان در زندگی عملی خود، از تقویم شمسی استفاده می کرده اند [همان، ص ۱۴۸-۱۴۲]. پس از آن که سخن مؤلف درباره ی تقویم های سه گانه و طول روز شمسی و روز قمری و ارتباط بین سال شمسی و قمری پایان می یابد، این گونه نتیجه می گیرد: «از بررسی تقویم های عبری،

میلادی و هجری معلوم شد که یهودیان در گاهشماری خود از تقویم هجری و ماه‌های سال عبری و ماه‌های قمری پیروی می‌کردند و سازگاری بین ماه‌های قمری و سال‌های شمسی به وسیله‌ی دوره‌ی ۱۹ ساله‌ی شمسی حاصل می‌شود. در مورد تقویم میلادی نیز چنین است. رجال کلیساهای مسیحی نیز در تعیین زمان‌های عید فصح [پسح عبری] - رؤیت هلال ماهی را که در آذار یا نisan واقع و هر ۱۹ سال تکرار می‌شود، مبتنا قرار می‌دادند. از این جا اهمیت و جوهر تقویم هجری اسلامی و عدد ۱۹ به عنوان عددی آسمانی رخ می‌نماید [همان، ص ۱۴۸].

در این جا از سخن مؤلف پیرامون دوره‌ی متونیک می‌گذرم و آن را به متخصصان علم نجوم وامی‌گذارم. اما بر پیوندی که مؤلف در صدد است بین تقویم‌های سه‌گانه برقرار کند و نیز قول او مبنی بر این که یهودیان از تقویم هجری و تقویم میلادی پیروی می‌کردند، درنگی می‌کنم و متذکر می‌شوم، امت‌های گوناگون یا پیروان دین‌های مختلف، صرفاً حرکت خورشید یا ماه را اساس زمانبندی و بنای گاهشماری قرار نمی‌داده‌اند تا قائل شویم که آن‌ها از تقویم هجری یا اسلامی پیروی می‌کرده‌اند. توجه به حرکت خورشید و ماه برای همگان در تمامی جاها و زمان‌ها امکانپذیر است و انسان در تعیین زمان و تقویم، جایگزینی برای آن‌ها ندارد. شواهد تاریخی و حقایق موجود درباره‌ی ارتباط بین پیروان تقویم‌های سه‌گانه، اعتباری برای نظریه‌هایی مثل این نظریه‌ی انسانی ایجاد نمی‌کند. به عبارت دیگر، اگر همگان برای تعیین زمان به خورشید یا ماه می‌نگرند، دلیل بر آن نیست که آن‌ها از یک تقویم بهره می‌برند.

کوشش برای ارتباط دادن تقویم هجری و عدد ۱۹ فاقد سند تاریخی است و در واقعیت حجتی بر آن نیست. اگر این گفته که منازل قمر در هر ۱۹ سال شمسی تکرار می‌شود، صحیح باشد، دلیلی کافی بر این نظر نیست که عدد ۱۹ عددی آسمانی یا عددی قرآنی است. این گزاره گوی و مبالغه‌آمیزی در مورد عدد ۱۹ است و اندیشه و غایت خاصی آن را دنبال می‌کند.

در مورد کتاب کمال الاعجاز فی القرآن الکریم مسائل قابل بحث دیگری نیز وجود دارد، ولی این موضوع اساسی که از دیگر مطالب کتاب مهم تر بود، مورد نقد قرار گرفت تا بحث از حجم معقول آن فراتر نرود. و خدای تعالی، حق را می‌گوید و اوست که راه را می‌نمایاند.

زیرنویس

۱. مؤلف در صفحه‌ی آخر، شرح حال مختصری از خود آورده و گفته است، در بغداد به سال ۱۳۵۵ هـ/ ۱۹۳۶ م به دنیا آمده و دکترای خود را در رشته‌ی ژئوشیمی از دانشگاه لینز دریافت کرده است و هم‌اکنون در دانشکده‌ی علوم دانشگاه بغداد تدریس می‌کند. از او تألیفات و تحقیقاتی در زمینه‌ی تخصصی‌اش برجای مانده است.
۲. نام ناشر روی کتاب درج نشده و نام چاپخانه‌ی آن، یعنی «الدیوان» آمده است. سال چاپ آن نیز نیامده است، اما شماره‌ی و اسپاری در دارالکتب و الوثائق بغداد، تاریخ ۱/۱۱/۲۰۰۱ را نشان می‌دهد. در مقدمه‌ی کتاب، تاریخ «کانون‌الاول ۲۰۰۱» آمده است.

3. metonic

منابع

۱. الکلاک، ادریس. لیس فی الاسلام تقدیس للرقام. الموصل. ۱۹۸۰.
۲. الاندراپی، احمد بن ابی عمر. الايضاح فی القرائات (نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی دانشگاه استانبول، شماره‌ی ۱۳۵۰ که از آن نسخه‌ای عکسی در کتابخانه‌ی المجمع العلمی العرأقی موجود است).
۳. ابن الجوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی. فنون الافنان فی عجائب علوم القرآن. تحقیق: د. رشید عبدالرحمن العییدی. مطبعة المجمع العلمی العرأقی. ۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۸ م.
۴. حسین ناجی، محمد محیی‌الدین. فتنة القرن العشرين. الکویت. ط ۱. ۱۹۸۵.
۵. الخالیدی، صلاح‌الدین عبدالفتاح. البیان فی الاعجاز القرآن. دارعمار. عمان. ط ۳. ۱۹۹۲.
۶. الدانی، ابوعمر و عثمان بن سعید. البیان فی عدد آی القرآن. تحقیق: د. غانم قدوری حمد. الکویت. ۱۹۹۴.
۷. ابن ابی داود، عبدالله بن سلیمان. کتاب المصاحف. تحقیق: آشرف جفری. المطبعة الرحمانية. مصر. ۱۹۳۶.
۸. رشاد خلیفه. مقابلة مع رشاد خلیفه منشورة فی مجلة روز الیوسف المصرية. ۱۹۸۵.
۹. السیوطی. عبدالرحمن بن ابی بکر. الاتقان فی علوم القرآن. تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم. القاهرة. ط ۱. ۱۹۶۷.
۱۰. السیوطی. معترك الاقرآن فی اعجاز القرآن. دارالکتب العلمیة. بیروت. ۱۹۸۸.
۱۱. کمال جمیل، د. عادل. کمال الاعجاز فی القرآن الکریم. مطبعة الديوان. بغداد. ۲۰۰۱.
۱۲. نوفل، عبدالرزاق. الاعجاز العددی فی القرآن الکریم (سه جلد در یک مجلد). مطبوعات الشعب. القاهرة. ۱۹۵۷.
۱۳. فاضل صالح السامرائی، التعبير القرآنی. منشورات بیت الحکمة. بغداد. ۱۹۹۸.
۱۴. عباس، د. فضل حسن و عباس، سناء فضل. اعجاز القرآن الکریم. دارالفرقان. عمان. ۱۹۹۱.
۱۵. الحسنائوی، محمد. الفاصلة فی القرآن. دارعمار. عمان.
۱۶. عبدالحمید، د. محسن: حقیقة البایة و البهائیة. بغداد. ط ۴. ۱۹۸۰.
۱۷. ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. طبعه بولاق.
۱۸. ابن التمیم، محمد بن اسحاق. الفهرست. تحقیق رضا تجدد. طهران. ۱۹۷۱.
۱۹. النسفی، عبدالله بن احمد. مدارک التنزیل و حقائق التأویل المسمی به تفسیر النسفی. دارالکتب العربی. بیروت.
۲۰. التورسی، بدیع الزمان سعید. المعجزات القرآنیة. ترجمة احسان قاسم الصالحی. مطبعة الرشید. بغداد. ط ۱. ۱۹۹۰.
۲۱. ابن وثیق الاندلسی، ابراهیم بن محمد. الجامع لما یحتاج الیه من رسم المصحف. تحقیق: د. غانم قدوری حمد. مطبعة العانی. بغداد. ۱۹۸۸.